

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۴

مثنوی مولوی، هوش معنوی و لذات فلسفه برای کودک

نزهت نوحی^۱

چکیده:

تعالی هوش معنوی که از آن به عرفان فردی نیز تعبیر می‌شود به عنوان زیربنای باورهای فردی و ارتقا قدرت تفکر مستقل، نیاز و کشش همواره انسان برای دستیابی به زندگی سالم روانی بوده‌اند. آهنگ سریع تغییر و تحول در عرصه ارتباط اجتماعی، ناپایداری اطلاعات و بالاخره ماهیت پیچیده زندگی مدرن ایجاب می‌کند که از همان کودکی به پرورش این بعد از زندگی و معنویت پرداخت تا در سایه رشد تفکر و تقویت کیفیت فلسفیدن و اندیشه‌ورزی رابطه خلاق و فعال اجتماعی و تصمیم‌گیری درست در موقعیت‌های مختلف، نیز نایل شد. *P&C* یا فلسفه برای کودک با محوریت ابرازی «داستان» اساساً برای این مهم به وجود آمده است و با توجه به اهمیت مؤلفه «فرهنگ و ابستگی» در آن، مثنوی معنوی مرجعی است که به دلیل تنوع و حجم بالای حکایات، نیز احتواء به مباحث متعدد فلسفی-عرفانی اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی،... به عنوان یکی از مناسب‌ترین منابع موجود برای طرح و بحث در حلقه کندوکاو فلسفی کودک ایرانی پیشنهاد می‌شود، لذا مقاله حاضر ضمن تأکید بر مولفه فرهنگ و ابستگی قوی حکایات مثنوی و دریافت‌های عرفانی پی آیند آن به بررسی مباحث نه‌گانه شناختی-فلسفی مناسب کودکان از هستی‌شناسی تا فلسفه سیاست در خلال آن‌ها می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

فلسفه برای کودک، هوش معنوی، عرفان، مثنوی، حکایت.

^۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. Noochi_nozhat@yahoo.com

پیشگفتار

ای برادر قصه چون پیمانه‌یی است معنی اندر وی مثال دانه‌یی است
دانه‌یی معنی بگیرد مرد عقل ننگرد پیمانه را گر گشت نقل
(۲/۳۶۲۵-۳۶۲۴)

در گذر زمان نظام‌های تعلیم و تربیت پیوسته در پی تربیت انسان متفکر با کسب توانمندی‌های لازم در جهت تعالی فردی و اجتماعی‌اند. نظام‌های آموزشی کلاسیک بتدریج با استقبال از اندیشه‌های تازه و رویکردهای نوین، از سیستم معلم‌محوری دور و به ساختار دانش‌آموز‌محور نزدیک می‌شوند تا با هدف بهادادن به توانایی‌های کودکان و آزادی عمل ایشان در فرآیند تفکر و درک بهتر، به کسب مهارت حل مسأله استدلال قوی‌تر و دریافت عمیق‌تر نایل شوند.

از جمله رویکردهای نو در این حوزه، برنامه $P\&C$ است که سعی دارد با شرکت دادن کودک در حلقه‌های کندوکاو و بحث و گفتگو در باب بنمایه‌های فکری فلسفی، جنبه‌های فکری-شناختی و معنوی وی را رشد و تعالی بخشد و این مهم را با استفاده از «داستان» تحقق می‌بخشد، داستان‌هایی که هدف اصلی و ویژگی خاص آن‌ها آموزش مهارت‌های فکری به کودکان است.

داستان‌ها علاوه بر ارزش هنری، بالقوه قابل استفاده برای تدریس و آموزش تفکر فلسفی به کودکان‌اند زیرا دارای شخصیت‌هایی هستند که اهل جست‌وجو و کندوکاوند، دلایلی برای گفتار و اعمالشان ارائه می‌دهند و در پی یافتن پاسخ پرسش‌هایشان، دلیل می‌آورند، به ارائه فرضیه می‌پردازند و از مهارت‌های فکری در گفتگوها استفاده می‌کنند؛ پس می‌توانند الگویی از کاربرد مهارت‌های فکری در اختیار کودک قرار دهند. (حبیبی عراقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۲)

مقاله حاضر با استناد به مراجع و منابع موجود کتابخانه‌یی و به روش تحلیل داده‌ها، ضمن ارائه تقسیمات رایج مفاهیم فلسفی با ارائه شواهد از حکایات مثنوی نشان‌خواهد داد که مثنوی مولانا علاوه بر آن که در «شرح مسائل عرفانی با سادگی تمام، چنان که درخور فهم خواننده آید و در ایضاح مطالب گوناگون که پیش می‌گیرد، با توسل به تمثیلات و قصص و استفاده از امثال و حکم متداول عصر خود مهارت خاص دارد. (صفا، ۱۳۸۰: ۹۷) در شیوه به کارگیری داستان به مثابه ابزاری برای اندیشیدن نیز بیش از هر کتابی به روش فلسفه برای کودکان فارسی زبان نزدیک است.

بیان مسأله:

امروزه با آشکار شدن اهمیت مؤلفه‌های بومی- فرهنگی در امر آموزش از سویی و ضرورت ارتقاء هوش معنوی و ظرفیت‌های ذاتی کودک، فلسفه‌ورزی، تشکیک و استدلال به منزله راهبردهایی در سلوک فردی از سوی دیگر؛ بازگشت به پیشینه‌های غنی فرهنگی- ادبی در دستیابی به مهم یادشده را ضرورتی بیش از پیش ساخته‌است. مجموعه ادبیات تعلیمی- عرفانی فارسی بستر مناسبی است که به آشناکردن کودک با عمده مباحث فلسفی از هستی‌شناسی تا خودشناسی- که خود مقدمه سلوک فردی است- می‌انجامد. مهم مطلوب، به‌ویژه از رهگذر طرح موضوعی حکایات مثنوی در چارچوب نشست‌های پرسش‌مدار کودکانه (P4C) دست‌یافتنی و محقق خواهد شد.

پژوهش حاضر در فرآیندی توصیفی- تحلیلی، درصداست تا نشان‌دهد که طرح حکایات مثنوی محمل مناسبی است که ضمن تحقق اهداف P4C با حفظ شاخصه‌های بومی و فرهنگی، رهیافت مناسبی برای سلوک و عرفان فردی از میان حلقه‌های کندوکاو فلسفی کودکان نیز هست.

پیشینه پژوهش:

قدر مسلم در دو حوزه P4C و فلسفه و عرفان مثنوی، کتب و مقالات مستقل بسیاری به رشته تحریر درآمده‌است. اما از آنجا که مقاله حاضر با نگره تلفیقی به این دو پرداخته‌است، در پیشینه پژوهش و فرآیند تألیف، آثاری را مطمح‌نظر داشته که مناسبت نزدیک‌تری با موضوع بحث داشته‌اند. از آن‌جمله می‌توان اشاره کرد به:

مقاله «نقش فلسفه تمثیلی در داستان‌پردازی‌های مولانا در مثنوی» (فرزاد قائمی) که به کارکرد «تفسیر تمثیلی» در توصیف بنمایه‌های رمزی و مضامین پوشیده داستانی و به طریق اولی، بعد «تعلیمی» آن پرداخته‌است. مقاله «همانندی‌های دوران کودکی با سلوک عرفانی» (احمد رضی) که استفاده از زبان تصویری و نمادین را به‌عنوان ابزار مشترکی در همانندی‌های زبانی کودک و عارف، بررسی کرده‌است.

مقاله «عارفان، کودکان راستین» (قدمعلی سرآمی) نیز با دیدی ظریف و شاعرانه به همانندی‌های سلوک عارفانه و طی مراحل کودکی پرداخته‌است.

در باب هستی‌شناسی و مضامین فلسفی مناسب کودکان، می‌توان از مقاله «فلسفه برای کودکان، مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی» (اکبری و دیگران) و نیز «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر» (مژگان رشتچی) که به هدف نزدیک‌سازی مفاهیم داستانی و مفاهیم رشد فکری کودک نگاشته شده‌است، یاد کرد.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

راهکار ارزیابی و درک بهتر از مباحث فلسفی - عرفانی برای کودکان استفاده از ابزار داستانی و حکایت است؛ مهمی که به تألیف کتب داستان با محوریت فلسفه برای کودکان نیز انجامیده است. اما توجه به بعد جذابیت، ملموس بودن و بومی گرایی، ضرورت انطباق و سازگاری *P4C* با نمونه‌های داستانی ادب فارسی به‌ویژه مثنوی مولانا را بیشتر می‌نماید. با این دیدگاه، مقاله حاضر با تأکید بر مباحث فلسفی - عرفانی از هستی‌شناسی تا خودشناسی، به معرفی و بررسی حکایات مثنوی برای طرح در *P4C* پرداخته است تا نتایج حاصل پژوهندگان حوزه فلسفه برای کودک، ادبیات عرفانی و ادبیات کودک را مفیدافتد.

بحث

فلسفه برای کودک^۱ (*P4C*) ضرورت یا تفتن؟

فلسفه و تفکر فلسفی بشر قدمتی چند هزار ساله دارد، اما در قالبی مدون و به هدف اشاعه بین کودکان نزدیک به چهار دهه اخیر و زمانی در آمریکا آغاز شد که ماتیو لیپمن^۲ به ضعف در سطح و کیفیت استدلال شهروندان تحصیل کرده (به‌ویژه قشر دانشجویان) امریکایی پی‌برد و از سویی ون‌سی لگم^۳ در واکنشی انتقادی بر اشکالات آموزش و پرورش سنتی، ایده آموزش فلسفه به کودکان را به عنوان یک تجربه آموزشی مطرح کرد. بدین ترتیب استفاده از فلسفه در برنامه‌های آموزشی با عناوینی چون «فلسفه برای کودکان»، «فلسفه با کودکان» و یا «اجتماع پژوهشی»^۴ در بسیاری کشورها به‌خوبی تثبیت شد و امروزه «فلسفه برای کودک» شهرتی جهانی یافته و در بیش از ۵۰ کشور مورد-استفاده قرار می‌گیرد. (اکبری، ۱۳۹۱: مقدمه)

هدف فلسفه برای کودکان، آشنا کردن آن‌ها با استدلال درست، انسجام کلام و پرهیز از تناقض‌گویی، ایجاد ارتباط منطقی بین جملات و نیز آشناساختن آن‌ها با منطق غیرصوری به هدف توانایی ارزیابی تفکرات خود و دیگران در قبال کنش‌ها و رویدادها، تعالی هوش معنوی و به بیان اولی تقویت بنیان‌های عرفان فردی با لحاظ مولفه‌های فرهنگی است.

P4C بدواً به اصلاح وضعیت تفکر در مدارس و وارد کردن عنصر اندیشه به درون نظام آموزشی و سپس بارآوردن شهروندانی معقول، خودمتمقد و حساس در برابر محیط نظر دارد و

^۱. *Philosophy for Children*.

^۲. *Mathew Lipman*.

^۳. *Vansieleghem*: مجله تخصصی فلسفه آموزش

^۴. *Community of inquiry*.

سعی می‌کند استدلال، داوری و تمییز را از کودکی به افراد یاددهد، طوری که کودکان از همان ابتدا قادر باشند تا حد امکان، خودشان برای خودشان فکر کنند و برای خودشان تصمیم بگیرند. (ناجی، ۱۳۸۳: ۴)

P4C به جای تمرکز بر تاریخ، ایده‌ها و آراء فلسفی فلاسفه بزرگ، به بحث در ایده‌های فلسفی از گذار گفتگو و مناظره تأکید کرد؛ فعالیتی آموزشی که تفکر پیچیده و در نتیجه قدرت استدلال و تفکر خلاق انتقادی را ممکن می‌سازد. (رشتچی، ۱۳۸۹: مقدمه) بدین ترتیب درمی‌یابیم که فلسفه برای کودک با چشم‌اندازها و اهداف پیش‌رو به هیچ‌رو تفنن نیست بلکه در جوامع امروزی که اعضای آن سعی دارند افکار و آراء دیگران را بفهمند و معنای جهان هستی و جامعه‌یی که در آن زندگی می‌کنند را درک کرده، به فهمی درست از زندگی، جامعه و تعاملی سالم و همه‌سویه با جهان درون و پیرامون خویش برسند، ضرورتی غیرقابل انکار است.

P4C محملی برای رشد هوش معنوی و عرفان فردی کودک:

در سال‌های اخیر محققان بسیاری در باب وجود هوش معنوی در ساختار ذهن بشر سخن گفته‌اند و از معنویت به عنوان بخشی خاص و مغفول‌مانده در حوزه شناختی یاد کرده‌اند. (هدایتی و زریباف، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

هوش معنوی هوشی است که با نشان دادن مناسب‌ترین راه به زندگی افراد معنا و عمق می‌بخشد. با هوش معنوی می‌توان با ناشناخته‌ها و وقایع غیرقابل پیش‌بینی روبرو شد و با پاسخ به سؤالات فلسفی در باب زندگی و مرگ و درک واقعی آن‌ها به جریان-گاه دشوار- زندگی معنا بخشیده و آن را ارزشمند و متعالی ساخت.

این جنبه از هوش، اساس باورها، ارزش‌ها و ساختار اعتقادی زندگی ماست و دسترسی به معنا و ارزش و استفاده از آن‌ها را با شیوه اندیشیدن و تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد به انسان تمامیت، یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند. به همین مناسبت است که تقویت هوش معنوی از حیثه‌هایی است که غالباً با عناوین سیر و سلوک و عرفان در دوران خردمندی (یعنی بزرگسالی) به آن توجه و اقبال می‌شود، در حالی که میل به دانستن و کاوش درین باب، مشخصاً از دوران کودکی بروز می‌کند. برخلاف بهره هوشی که در طول عمر فرد میزان نسبتاً ثابتی دارد، هوش معنوی را می‌توان بهبود بخشید و افزایش داد و با صرف زمان و شیوه‌های متفاوت تقویت کرد.

هوش معنوی داشتن رفتاری خردمندانه توأم با حس همدردی است به گونه‌یی که فرد بتواند آرامش درون و بیرونش را با وجود شرایط پیرامون خویش به خوبی حفظ کند. این مهم در خلال برنامه *P4C* دست‌یافتنی است چرا که لیپمن علاوه بر تفکر انتقادی- مبتنی بر خردورزی- بر تفکر

خلاق و دلسوزانه نیز تأکید دارد. (همان: ۱۴۵_۱۴۳)

لیپمن معتقد است که تفکر به شیوه فلسفی امکان تفکر مستقل و پرسش‌گری از خود و دیگران را برای فرد فراهم می‌سازد و کسی که به استقلال فکری دست یابد، در عمیق‌ترین احساسات و ارزش‌ها و حتی هویت فردی نیز به کنکاش می‌تواند پرداخت و اینها همه زمینه‌ساز شناخت و تعالی عرفانی فرد از همان کودکی است. قدر مسلم هرچه دخالت در شکل‌دهی رفتار کودک غیرمستقیم‌تر باشد استقلال و خلاقیت او نیز در فلسفه‌ورزی و رشد معنوی پرننگتر خواهد بود. (نک: کریمی، ۱۳۷۶: ۱۴)

ادبیات مناسب P4C:

ادبیات کودکان می‌تواند با طرح سؤال در ذهن کودک او را به اندیشیدن وادارد و به جای القای ارزش‌های از پیش تعیین‌شده، محرکی برای ماشین ذهن او باشد. بهترین نمود تقارن آنچه فلاسفه به روشی منسجم و دقیق انجام می‌دهند با کاری که کودک بدون به‌کارگیری روش‌های پیچیده به آن مبادرت می‌کند، در ادبیات است. ماتیوز^۱ با بررسی داستان‌های معروفی همچون وینی‌پو^۲ و جادوگر شهر اُز^۳ با اشاره به نکات فلسفی ارزشمند این داستان‌ها و نقش آن در آموزش تفکر به کودک، مثال‌های تجربی از استدلال‌های فلسفی کودکان ارائه می‌دهد و مجدانه معتقد است که تعامل با کودکان یعنی تعامل با موجوداتی عاقل و منطقی یا به‌قول کانت شهروندان سرزمین اهداف. (رشتچی، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۴)

در اواخر ۱۹۶۰ ایده اولیه «فلسفه برای کودکان» شکل گرفت زیرا لیپمن به‌عنوان یک استاد فلسفه به عدم قدرت استدلال و تمیز و داوری در بین دانشجویان خود پی‌برد و برای بالابردن این دانی‌ها دست به‌کار شد اما پس از مدتی متوجه شد که برای بهبود قدرت تفکر دانشجویان دیر شده و تقویت این توانایی باید از دوران کودکی آغاز شود، به عبارتی کودکان در سنین یازده و دوازده سالگی باید به آموختن «تفکر درباره تفکر» (فلسفیدن) پردازند. از سویی چون هدف و تمرکز اصلی این برنامه نه بر ایده‌های فلاسفه بزرگ طول تاریخ بلکه بر فرآیند بحث در ایده‌های فلسفی برای کسب مهارت در تفکر پیچیده، انتقادی، خلاق و مستقل است، لیپمن بهترین وسیله را «داستان» تشخیص داد و کتاب‌هایی مستقلاً برای کودکان نوشت از جمله «پیکسی»^۴ و «لیزا»^۱ و سعی کرد در

^۱. Matthews.

^۲. Winnie the-pooh.

^۳. The Wonderful Wizard of OZ.

^۴. Pixie.

قالب داستان رفتارهای مختلف کودکان را نشان دهد و در مقابل این رفتارها، ذهن کودکان را به چالش و تفکر برای یافتن پاسخ وادارد. شخصیت داستان‌های او موضوعات فلسفی مانند ماهیت تفکر را مورد بحث قرار می‌دهند و کودک می‌آموزد که بسیاری از پرسش‌های فلسفی لزوماً جواب معین، مطلقاً درست یا مطلقاً غلط ندارد و کنار نهادن جزم‌اندیشی به او می‌آموزد که فرضیه‌ها را به چالش کشیده و به تقویت قوه استدلال دست‌یابد. (همان: ۲۵)

پس از شروع کار توسط لیپمن، تحقیق و بررسی‌های بیشتر برای انتخاب ادبیات مناسب در برنامه *P&C* انجام شد و نتایج حاصل نشان داد که داستان‌هایی که از قرن ۱۷ تاکنون در ادبیات غرب برای کودکان نوشته شده، تفاوت‌های هنجاری فاحشی دارند. قرن هفدهم آغاز نگارش داستان‌های پری‌گونه برای کودکان و داستان‌هایی مثل زیبای خفته و سیندرلا اثر شارل پرو^۱ شاید نقطه آغاز داستان‌نویسی برای کودکان بود. قرن هجدهم نیز شاهد انتشار کتاب‌هایی ویژه کودکان بود. ژان ژاک روسو با ارائه ایده پاک‌فطری کودک و آزادی، تعریف تازه‌ی از کودکی و ایده‌های جدیدی در تعلیم و تربیت مطرح کرد و بالطبع گفتگوهای فلسفی آن دوران را متأثر از این تعریف ساخت، اما به دلیل ارتباط بین کودکی و معصومیت و سادگی، ادبیات کودک همچنان به دور از دوگانگی‌های فلسفی و پیچیدگی‌های هستی‌شناختی، ساده نگاه داشته شد. قرن نوزدهم اما، آغاز ظهور داستان‌های ارشادی بود. نسل اول ادبیات کودکان شامل «داستان‌های اخلاقی برای کوچکترها» اثر اجورث^۲ با مضمونی ارشادی به هدف ترغیب کودک به اطاعت کورگورانه بود. (همان: ۳۰) داستان‌های معروفی مانند «هانسل و گرتل» و «سفید برفی» اثر برادران گریم و داستان‌های پری‌وار هانس کریستین آندرسون نیز از جمله آثار ارشادی اوایل قرن نوزدهم اند.

نویسندگان ارشادی به تعریف قدیمی دوران کودکی قایل بودند و کودک را ظرفی خالی می‌پنداشتند که باید پر شود. همین برداشت، نگاهی ساده‌انگارانه به ادبیات کودکان داشت و طبعاً نقش پیشبردی ایشان را در بحث‌های فلسفی به‌هیچ‌می‌گرفت. در نگاه قرن نوزدهمی (دوران ویکتوریا) نیز کودک ماده خامی بود که می‌شد در قالب ریخت و شکل داد و به جای تحسین ارزش ذاتی دوران کودکی (ایده روسو) کودک وسیله‌ی برای دستاوردهای بزرگسالان محسوب می‌شد. اما در سال ۱۹۰۸ با تصویب قانون حقوق کودک و رایحه تعریف رمانتیک از دوران کودکی، کودک چهره‌ی نجات‌دهنده و مایه رستگاری جامعه معرفی شد. این تغییر دیدگاه در ادبیات نیز نمود یافت.

^۱ Lisa.

^۲ Charles Perrault.

^۳ Maria Edgeworth (۱۶۵۶-۱۸۴۹)

به‌عنوان مثال آثار لوئیز کارول^۱ به روح مصلحان آموزش نزدیکتر از آثار اجورث و دیگران بود. «ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب» با انتقاد از استفاده ابزارهای از دوران کودکی، جایگزین متون ارشادی شد و نسل دوم ادبیات کودکان با کارهای کارول، به نزدیک‌کردن مفهوم معصومیت و سادگی کودک به آنچه مورد نظر روسو بود، خوانندگان را با تأمل و پرسشگری در عالم هستی درگیر کرده و با ریشه‌های فلسفی پیوند داد.

اما قرن بیستم دوره‌ی است که برخی صاحب‌نظران آن را «قرن کودک» می‌نامند. کودکان تمام توجه خانواده‌ها، پژوهشگران، نویسندگان و شاعران را به خود جلب می‌کنند و ادبیات کودک دوران طلایی شکوفایی‌اش را نشان می‌دهد. (شوکتی، ۱۳۸۵: ۳۱۳)

در پایان این عصر طلایی، آثار گراهام کنت^۲ مانند «باد در میان درختان بید» انتشار یافت و نویسندگانی چون مارک تواین و کیپلینگ^۳ و باوم^۴ به تأثیر از وضع موجود اجتماع و پیشرفت تمدن می‌نوشتند اما آسیب بزرگ این بود که نویسندگان قادر نبودند از دریچه ذهن و فکر کودک به دنیای بیرون نگاه‌کنند و داستان‌هایی خلق می‌شد که بزرگان برای کودکان نوشته‌اند و روح فرهنگ و اندیشه دوران در آن انعکاس داشت، از آن جمله می‌توان به انتقاد از نژادپرستی حاکم در آثار تواین اشاره کرد. (رشتچی، ۱۳۸۹: ۳۲)

در ادبیات ایران نیز با نگاهی اجمالی درمی‌یابیم که از ابتدایی‌ترین دوره‌های ادبیات که هنوز رده‌بندی مخاطب مفهوم‌نداشت تا اوایل قرن سیزدهم، عمده ادبیات کودکان با ادبیات بزرگسالان همسان بود و در مجموعه ادبیات شفاهی افسانه‌وار و نیز ادبیات مکتوب، کودکان اگر روایتی را جالب می‌یافتند با آن پیوند می‌گرفتند و آن سهم اندک که مختص کودکان به رشته تحریر درآمده همواره اساسی‌ترین کارکرد ادبیات یعنی جنبه ارشاد و آموزش اخلاقی را سرلوحه کار داشته‌است.

تقارن ورود صنعت چاپ به ایران با آغاز مشروطه و دوره نوگرایی در ایران - با دگرگونی در گستره رفتارهای فرهنگی - گرچه به سنت دیرپای اندرزنامه‌نویسی پایان داده و به اندیشه نوشتن کتاب کودکانه برای کودکان قوت‌بخشید اما همچنان به تأثیر از روش‌های پرورشی فیلسوفان نوگرای غربی همچون روسو و با نثر و زبانی ساده و ساختاری کودکانه، تم ارشادی خود را حفظ کرد و یا دقیقاً ترجمه و بازنویسی آثار موجود در ادبیات اروپا را به عرصه کتاب کودک تقدیم کرد. (نوحی،

^۱. Lewis Carroll.

^۲. Grahame Kenneth.

^۳. Rudyard Kipling.

^۴. Frank Baum.

همین امروز هم اکثر نویسندگان ایرانی برای کودکان و نوجوانان، تنها ساده و پیش پا افتاده بودن مطلب یا داستان‌ها را شرط کودکانه بودن می‌پندارند، پنداری که بی‌گمان تفکر خلاق را از کودک بازمی‌گیرد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۲: ۸۲)

رویکردهای فلسفه برای کودک در متون ادبی - عرفانی:

در اجتماع پژوهشی فلسفی کودکان، برخی استفاده از «تاریخ فلسفه» و برخی «تأکید بر آرای فلسفی» را جایز می‌شمارند اما در مجموع چهار رویکرد کلی در این برنامه مورد توجه است:

الف- رویکرد فرآیندی که در آن فلسفه به مثابه روش به‌کار گرفته می‌شود، زیرا فلسفه را نوعی فعالیت می‌داند که منجر به شناسایی و فهم امور می‌شود. بسیاری از فیلسوفان از زمان سقراط تاکنون با این تلقی از فلسفه موافق بوده‌اند. در این رویکرد بر فعالیت فلسفی و طرح محتوای داستانی پرسش‌انگیز برای تسهیل فرآیند فلسفیدن تأکید می‌شود، یعنی پیشبرد فعالیت به‌گونه‌ای که هر سؤال تنها به سؤالات بیشتر منجر شود. (اکبری، ۱۳۹۱: ۳)

ب- رویکرد محتوایی یا فلسفه به‌منزله محتوا که به تاریخ و محتوای فلسفه در قالب داستان اهمیت می‌دهد. ساده‌سازی و قابل فهم کردن محتوای فلسفی برای استفاده کودکان را در «لذات فلسفه» ویل دورانت، «داستان فلسفه» اثر مگی، «فلسفه برای کوچکترها» اثر وایت، «گردش در دنیای فلسفه برای جوانان» اثر ویت و «دنیای سوفی» اثر گرودر^۱ می‌توان به‌عنوان رویکردی محتوا محور در فلسفه برای کودک دانست.

در آثار فحیم فارسی نیز نمونه‌های محتوا محور بسیار می‌توان یافت که اتفاقاً بسیاری در قالب داستان و حکایت‌اند، از جمله در آثار شیخ اشراق همچون «قصه غربت غربی» و یا «رساله حی بن یقظان» ابن‌سینا و مثنوی معنوی مولانا.

پ- رویکرد سوم مبتنی بر پیوند فلسفه و ادبیات و تأکید بر متون داستانی کهن به‌عنوان محتوای فلسفی است. این رویکرد ناشی از اعتقاد به تداخل بدیهی فلسفه و ادبیات است. ردپای فلسفه را در بسیاری از متون ادبی به‌ویژه داستان‌های فلسفی که از ناخودآگاه نویسنده برآمده می‌توان یافت.

ت- رویکرد چهارم بر زمینه فرهنگی متون تأکید دارد به این مفهوم که در انتخاب و بازنویسی محتوای داستان فلسفی در نظر گرفتن عامل فرهنگ بومی - در کنار خصوصیات عام فرهنگی که امکان تفکر، ارتباط و انتقال را فراهم می‌سازد - بسیار مهم است. (همان: ۶_۴)

^۱. Jostein Gaarder.

بدیهی است در فرآیند آموزش تفکر به کمک فلسفه، باید گفت تنها زمانی می‌توان به نتیجه مطلوب رسید که اجماعی از چهار رویکرد را در کار لحاظ داشت: فرآیند فلسفیدن و محتوای فلسفی در کنار گستره متون از جمله ادبیات و جنبه‌های فرهنگی در طرح محتوا.

مثنوی مجالی مناسب فلسفیدن و سلوک معنوی کودک:

داستان‌های فلسفی در برنامه P4C به لحاظ کارکرد و اهداف با دیگر داستان‌های کودک تفاوت دارد زیرا در عین حال که باید از جذابیت داستانی برخوردار باشند، از حیث کفایت فلسفی نیز باید حائز شرایطی باشند که عبارتند از محتوای فلسفی، کندوکاو‌پذیری (کم، ۱۳۸۹: ۳۶-۲۵) و آموزش مهارت‌های فکری. کودک باید با شرکت در حلقه‌های کندوکاو و بحث و گفتگو بتواند مهارت فلسفیدن را در خود پرورش داده و در جنبه‌های فکری، شناختی و عاطفی رشد کند. (حیبی عراقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۲) و ما برآنیم که پرداختن به چنین مهمی با توجه به مؤلفه فرهنگ‌وابستگی، قطعاً با به‌کارگیری متونی همچون مثنوی ملموس‌تر و مفیدتر خواهد بود، زیرا گستردگی و تنوع داستانی در مثنوی ظرفیتی قابل‌اعتنا برای فلسفه‌کودکانه است به‌ویژه آن که در تمام سوژه‌های شناختی - فلسفی نیز می‌توان از آن بهره‌گرفت.

مثنوی جامع حوزه‌های شناختی (فلسفی - عرفانی):

دوران کودکی در سنت هندو مقدمه‌ای بر دست‌یافتن به آگاهی است. مفهوم کودکی از آموزه‌های ثابت انجیل نیز هست. در سنت مسیحی، کودک سیمایی ملکوتی دارد و فرشتگان اغلب به شکل کودک ظاهر می‌شوند. (شوالیه و همکار، ۱۳۸۵: ۶۲۵-۶۲۴) عارفان بسیاری نیز با عنایت به ظرفیت‌های معنوی کودکان تلاش کرده‌اند مزایای دوران کودکی را یادآوری و سالکان را به احیای آگاهانه کودک درون خود ترغیب کنند. (نک: رضی، ۱۳۹۲: ۵۴) هم از این‌رو مولانا می‌فرماید:

بر دمید اندیشه‌ای زان طفل خرد پیر با صد تجربه بسویی نبرد
خود فزون آن به که آن از فطرت است تاز افزونی که جهد و فکرت است
(۱۵۴۳/۲ - ۱۵۴۴)

در فیه‌ما فیه نیز چنین آورده که:

«حق تعالی صبوتی بخشد پیران را از فضل خویش که صبیان از آن خبر ندارند، زیرا صبوت بدان سبب تازگی می‌آورد و برمی‌جهاند و می‌خنداند و آرزوی بازی می‌دهد که جهان را نومی‌بیند و ملول نشده‌است از جهان...» (یزدانی، ۱۳۸۲: ۲۴۷)

بدین اعتبار درک درست از جهان، هستی‌شناسی و جهان‌بینی ویژگی ذاتی کودکان است و

پرورش وجوه فلسفی معرفت‌شناسانه هم‌سو با تجربه فطری او راهگشای سلوک فردی وی خواهد بود.

چنان‌که پیشتر گفتیم در شیوه به‌کارگیری داستان به مثابه ابزاری برای اندیشیدن، مثنوی از هر کتابی به روش برنامه *P&C* نزدیک‌تر است. در گرایش اندیشمند عارفی چون مولانا حکایت بیش از نمایش سبک روایی صرف، نماینده یک نظام فکری است و با آن درس‌های فکری، اندیشه‌ها، جهان بینی و سلوک روحی را نمادینه کرده است. (نک: قایمی، ۱۳۸۶: ۱۹۶) تعدد مفاهیم و موضوعات مناسب تفکر، خلق موقعیت‌های چالش‌آفرین و کندوکاو‌پذیر و به‌کارگیری بسیاری از مهارت‌های فکری همچون تمثیل، استدلال، تمایز، تعریف و طبقه‌بندی همه ویژگی‌هاییست که حکایات این اثر سترگ عرفانی را مناسب بحث فلسفی کودکان می‌سازد. (حیبی عراقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۶)

در ادامه با معرفی مفاهیم و بنمایه‌های رایج فلسفی به ارائه شواهدی از حکایات مثنوی مناسب طرح در *P&C* برای جایگزینی با داستان‌های غیرایرانی خواهیم پرداخت:

۱- هستی‌شناسی (*Ontology*):

شاخه‌یی از علم فلسفه است که به مطالعه طبیعت و ماهیت هستی و ساختار واقعیت می‌پردازد. آنچه هست، چه چیزهایی در عالم وجود دارد، چه چیزهایی امکان‌ ندارد وجود داشته باشند، روابط بین موجودیت‌ها، چیستی آنچه وجود دارد و ماهیت آن همه سؤالاتی است که در حوزه «هستی‌شناسی» به آن پرداخته می‌شود. (علیپوریانی و نوری، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

۱-۱- انکارکردن موسی علیه‌السلام بر مناجات شبان

دید موسی یک شبانی را به راه کوهی گفت ای گزیننده اله تو کجایی تا شوم من چاکرت چارقبت دوزم کنم شانه سرت
(۱۷۲۳-۱۷۲۲/۲)

تفکر در چیستی هستی یا وجود- اعم از جهان، انسان و خدا- که ارسطو آن را شریف‌ترین دانش‌ها شمرده است محتوای مباحث هستی‌شناسانه‌یی است که طرح آن برای کودک غالباً مشکل- است، اما طرح زبانی جذاب و لحن و آهنگ کوکانه این حکایت و حکایاتی که در پی می‌آیند بسیار مناسب طرح پرسش‌های اساسی این حوزه در حلقه گفتگوی فلسفی کودکان و ایجاد لذت فلسفی در ایشان است.

در حکایت مذکور پرسش‌هایی از این دست قابل طرحند:

- حقیقت آفرینش چیست؟

- آفریننده کیست؟

- آفریده کیست؟

- رابطه آفریننده و آفریده چگونه است؟

۱-۲- حکایت «موری بر کاغذی می‌رفت، نشستن قلم دید، قلم را ستودن گرفت، موری دیگر کی چشم تیزتر بود، گفت ستایش انگشتان را کن کی این هنر از ایشان می‌بینم، موری دیگر کی از هر دو چشم روشن‌تر بود گفت من بازو را ستایم کی انگشتان فرع بازواند، الی آخره». (۳۷۲۱/۴) ... و گفتگو همچنان ادامه داشت تا اینکه «مهر موران فطن بود اندگی» باقی مورچگان را خطاب کرد و «گفت کز صورت مبیند این هنر» با این تأکید که تن و صورت مادی هیچ‌کاره‌است و «جز به عقل و جان نجبند نقش‌ها» بدین ترتیب این حکایت جذاب از زبان مورچگان، چالش ذهنی عمیقی در کودکان نسبت به فهم انسان از جهان برمی‌انگیزد که دغدغه بسیاری از فیلسوفان همچون سقراط و هراکلیتوس تا فلاسفه امروز بوده و همواره خواهد بود. حکایت با طرح این پرسش که نگارنده نقش‌ها بر کاغذ کیست؟ در سلسله مراتب بررسی علل پیدایش نقش‌ها از قلم به انگشت، سپس بازو و در نهایت عقل، پرسش‌های اساسی در علت پیدایش جهان، ماهیت هستی و پدیدآورنده آن را مطرح می‌سازد و به طرز شیرین کودک را با سؤالاتی از این دست روبرو می‌سازد که:

- منظور و مفهوم داستان چیست؟

- نقش‌ها روی کاغذ چگونه پدیدآمده‌اند؟

- آیا قلم به تنهایی می‌تواند از عهده نقش‌آفرینی برآید؟

- آیا همه آدم‌ها می‌توانند به وسیله قلم به نقش‌آفرینی بپردازند؟

- آیا بی‌عقل هم دست را به کار نقش‌آفرینی تواند گرفت؟

- آیا از روی نقش‌ها می‌توان به دانایی نقاش پی برد؟ (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۳)

از دیگر حکایات مناسب هستی‌شناسی می‌توان نام برد:

۱-۳- قصه بازرگان که طوطی محبوس او، او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام رفتن به

تجارت (۱۵۴۷/۱) در تمییز عدم و وجود.

۱-۴- در بیان آن‌که ماسوی... هر چیز آکل و ماکول است (۷۱۹/۵) در بیان مراتب هستی.

۱-۵- کبودی زدن قزوینی بر شانگه صورت شیر و... (۲۹۸۱/۲) مناسب طرح در بیان مراتب

وجود.

۱-۶- حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار (باغ خدا، دست خدا و چوب خدا) (۵/

۳۰۷۸) در بیان مراتب پدیدآورنده و پدیده.

۲- معرفت‌شناسی (Epistemology):

شاخه‌یی از فلسفه معاصر و عبارت‌است از علم یا فلسفه شناخت و اینکه شرایط کسب شناخت درباره آنچه وجود دارد چیست؟ (علیپوریانی و نوری، ۱۳۹۰: ۲۱۰) معرفت‌شناسی بر دو پایه عقل و تجربه استوار است. معرفت‌شناسی تجربه‌گرا، متأثر از روش علمی متفکرانی چون نیوتن، کپلر، گالیله و... علم را ابزار شناخت می‌داند و فقط آنچه از طریق حواس قابل تجربه و آنچه از طریق آزمایش تجربی قابل آزمون و تأیید است، دانش به حساب می‌آید و معرفت‌شناسی خردگرا از باور به حقانیت عقل و متأثر از رساله گفتار در روش دکارت، معتقد است تنها تجزیه و تحلیل عقل است که ما را به چستی و ماهیت اشیاء رهنمون می‌کند و آنچه حواس عرضه می‌دارند در بوته عقل به معجون معرفت بدل می‌شود. (همان: ۲۱۳-۲۱۲)

معرفت‌شناسی به بررسی ماهیت، مبانی و حدود معرفت پرداخته و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد. (صمصام و نجار همایونفر، ۱۳۸۴: چکیده) و معمولاً پرسش‌هایی از این دست را مطرح می‌کند:

- به چه چیزی معرفت دارید؟
 - آیا معرفت که از راه مشاهده و آزمایش به دست می‌آید یکسره حدس و گمان است؟
 - آیا با تفکر ناب مستقل از مشاهده و آزمایش می‌توان به یقین رسید؟
 - آیا موضوعاتی هست که فرد از فهمش ناتوان باشد؟
 - آیا موضوعاتی هست که هیچگاه نتوان درباره آن‌ها معرفت یقینی داشت؟
 - در چه شرایطی یک شخص به چیزی معرفت دارد؟
 - در چه شرایطی باور یک شخص به چیزی موجه است؟
 - ابزار دستیابی به معرفت کدامند؟ (ویکی‌پدیا فارسی / ذیل معرفت‌شناسی)
- از شمار حکایات فراوان در شش دفتر مثنوی که به زیبایی متضمن محتوای معرفت‌شناسی اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱ در وهم افکندن کودکان استاد را (۳/ ۱۵۴۶)

مطابق سنت مولانا در بسیاری حکایات، برای درک نزدیک‌تر موضوع کلیدهایی در خلال حکایت ارائه می‌شوند که گر چه در فرآیند فلسفیدن کودکان توصیه به طرح آن‌ها نمی‌شود، اما برای مریبان P&C در شروع و هدایت بحث فلسفی کودکان بسیار روشنگر است، از جمله در این حکایات، ابیاتی با عنوان «بیمار شدن فرعون هم به وهم از تعظیم خلقان» مشخصاً «فرآیند دستیابی به معرفت» و احتمال خطا به واسطه حدس و احتمال صواب و یقین را مطرح می‌سازد تا مخاطب به

اهداف مورد انتظار از حکایت اصلی دست یابد.

در حکایت مریض خیالی (به تعبیر مرحوم آذریزدی در کتاب قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب) سؤالاتی از این دست قابل طرحند:

- وهم، خیال و تلقین در ابزار معرفت چه جایگاهی دارند؟

- مراتب معرفت در عقول مختلف چگونه است؟

- آیا بین تحصیل دانش و مراتب عقل آدمیان رابطه‌ی هست؟

۲- اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل (۳ / ۱۲۵۹)

این حکایت دلنشین متضمن محتوای معرفت‌شناسانه با طرح سؤالاتی در حوزه «معرفت حسی»

است:

- کارکرد حواس ظاهری و کارآیی آن‌ها در معرفت

- تفاوت در نگاه، برداشت جزوی و تعمیم ناروا

- تغییر دیدگاه و توجه به معنا در معرفت‌شناسی (صمصام و نجاره‌مایونفر، ۱۳۸۴: ۸۲)

۳- فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحبخانه را که نزدیک آمده‌بود که دزد را دریابد و

بگیرد. (۲ / ۲۷۹۵) حکایت متضمن محتوای قیاسی علم تقلیدی و عارضی در مقابل علم حقیقی و

معرفت حسی است.

۴- حکایت نابینا و مصحف (۳ / ۱۸۳۵): در بیان معرفت شهودی بی وساطت تجربه و حس و

عقل.

۵- محبوس شدن آن آهوچه در آخر خران (۵ / ۸۳۴): مفید طرح در بن‌مایه مراتب معرفت و

درجات شناخت.

۶- کشیدن موش مهارت اشتر را (۲ / ۳۴۳۸) با بن‌مایه درک تفاوت‌های فردی در معرفت.

۷- شکایت استر پیش شتر که من بسیار در رو می‌افتم:

گفت استر با شتر کای خوش رفیق در فراز و شیب و در راه دقیق

تونه ایی بر سر و خوش می‌روی من همی آیم به سر در چون غوی

خواه در خشکی و خواه اندر نمی من همی افتم به رو در هر دمی

این سبب را بازگو با من که چیست تا بدانم من که چون باید بزیست

(۴ / ۱۷۴۹-۱۷۴۶)

حکایت با سؤال استر در فهم علت آن‌که چه در فراز و شیب و چه در راه دقیق همواره

سرنگون می‌گردد، آغاز می‌شود و پاسخ شتر که:

گفت چشم من ز تو روشن تر است
بعد از آن هم از بلندی ناظر است
چون برآیم بر سر کوهی بلند
آخر عقبه بی‌بشم هوشمند
پس همه پستی و بالایی راه
دیده‌ام را وانماید هم اله
(۱۷۵۰-۱۷۵۲/۴)

و با این اشارت که به تصریح قرآن اعمی و بصیر یکی نیستند (فاطر: ۱۹) به زیبایی تمام، مراتب معرفت میان اشخاص را به گفتگومی‌کشاند.

۳- انسان‌شناسی (Anthropology):

فلسفه سرشت انسان همواره موضوع بحث‌برانگیزی بین فلاسفه بوده‌است با دو سؤال اساسی:
۱- آیا ماهیت انسان تغییرپذیر و شکل و فرم‌گیر است یا ثابت و غیرقابل تغییر؟ ۲- تا چه حد سرشت بشر ناشی از وضعیت بدنی و فیزیکی او بوده و چقدر ناشی از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی می‌باشند؟ (ویکی‌فارسی، ذیل انسان‌شناسی فلسفی)

انسان‌شناسی فلسفی تلاشی است جهت یکسان‌سازی شیوه‌های متمایز در فهم رفتار انسان‌ها به-عنوان مخلوق محیط اجتماعی و خالق ارزش‌های خویش. لذا هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان و یا بعد و ابعادی از وجود وی یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد، می‌توان انسان‌شناسی نامید. (رجبی، ۱۳۷۹: ۱۶)

انسان‌شناسی فلسفی درصدد تفسیر حقایقی است که علوم در باب طبیعت انسان و وضعیت بشری کشف کرده‌اند جنبه‌هایی همچون: ذهن، روح، حیوان ناطق، حیوان مدنی، حیات، غریزه، موجودیت، انسان و حیوان، انسان و خدا، موجود اجتماعی، موجود منفرد و غیره. و آنچه بیش از همه در مثنوی مولانا می‌یابیم انسان‌شناسی فلسفی-الهیاتی و مفاهیم دینی انسان در گفتگو با خداوند، به عبارتی «انسان‌شناسی عرفانی» است.

از جمله حکایات مثنوی که در این مقوله قابل بازیابی و ساده‌نویسی برای حلقه کندوکاو فلسفی کودکان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۳ قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان غیژید (۲۶۵۷/۴)

انسان موجودی اجتماعی است و این خصلت او را وامی‌دارد تا با هم‌نوع-به تعبیر مولانا همجنس- خود در ارتباط و مفاهمه باشد؛ نتایج حاصل از مفاهمه، تغییرپذیری و تأثیرپذیری از همجنس همگی بن‌مایه‌های انسان‌شناسی قوی در این حکایت دلچسب‌اند بویژه به سبب آن‌که

شخصیت‌های حکایت، مادر و کودک‌اند، شنیدن و مباحثه درباب آن فی‌نفسه برای کودک‌ان جذاب- است.

... زن چنان کرد و چو دید آن طفل او جنس خود خوش خوش بدو آورد رو
سوی بام آمد ز متن ناودان جاذب هر جنس را هم‌جنس دان
(۲۶۶۸ - ۲۶۶۷ / ۴)

۲-۳ مثل دوبین همچو آن غریب شهر کاش، عمر نام.. (۶ / ۳۲۲۴): حکایت ناظر است به مفهوم فلسفی مراتب معرفت و تفاوت سطح بینش میان آدمیان.

۳-۳ حکایت آن شخص کی از ترس خویشتن را در خانه‌یی انداخت... گفت مبارک خرمی گیرند تو خرنیستی چه می‌ترسی، گفت سخت به‌جدمی‌گیرند تمییز برخاسته‌است امروز ترسم کی مرا خر- گیرند (۵ / ۲۵۳۹): بنمایه حکایت خودشناسی در فرآیند انسان‌شناسی و یافتن تمییز است با تمثیل‌های زیبا در مرتبت «انسان کامل».

۴-۳ تمثیل گریختن مومن و بی‌صبری او در بلا (۳ / ۴۱۶۰): تمثیل زیبایی است در باب دکتترین انسان‌شناسی عرفانی - الهی مولانا با بن‌مایه تکامل معنوی انسان.

۴- ارزش‌شناسی (Axiology):

شناخت و بررسی عمومی ارزش‌ها را از حیث ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اکتسابی بودن، تاریخی یا غیرتاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر ارزش‌شناسی می‌گویند. (نلر، ۱۳۷۷: ۳۹) و علم اخلاق با هدف پرداختن به ارزش‌ها، باید و نبایدها و مطالعه ارزش‌های غایی اخلاقی در زندگی با رویکرد امر معطوف به عمل از حوزه‌های مطرح در فلسفه است. مطابق نظر ارسطو که «بررسی متقابل‌ها وظیفه یک علم است» (اکبری و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵) در حیطه ارزش‌شناسی همانگونه که ارزش (بایدکرد)ها موضوع علم اخلاق‌اند، رذایل (نبایدکردها) و ضدارزش‌ها هم ذیل علم اخلاق‌اند و بررسی خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، اعتبار و عدم اعتبار امور جزء وظایف علم ارزش‌شناسی در دو حوزه اخلاق و زیبایی‌شناسی است؛ مباحثی که در حلقه کندوکاو فلسفی کودک‌ان قابل طرح و صدا البته در بستر داستانی و در قالب حکایت، جذاب‌تر و ملموس‌ترند. از جمله حکایات مثنوی در این باره می‌توان نام- برد:

۱-۴ حکایت شیرین «اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس» زیبایی و لطافت دو مفهوم ارزشی

ظن و اعتماد را در حلقه گفتگوی فلسفی کودک‌ان به‌چالش می‌کشد:

ازدهایی خرس را در می‌کشید شیرمردی رفت و فریادش رسید
(۱۹۳۴ / ۲)

۲-۴ حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند (۴۹۶/۶) با بن‌مایه فلسفی دو مفهوم
بایدداشتِ حزم و نبایدداشت (ضد ارزش) طمع.

۳-۴ امتحان پادشاه به آن دو غلام که نوخریده‌بود: بن‌مایه ارزش‌شناسانه صداقت.

پادشاهی دو غلام ارزان خرید با یکی زن دو سخن گفت و شنید
یافتش زیرک دل و شیرین جواب از لب شکر چه زاید شکر آب
(۸۴۶/۲ - ۸۴۵)

۴-۴ ناپسندیدن روباه گفت خر را کی من راضی‌ام به قسمت (۲۳۸۳ / ۵) مناسب طرح دو مفهوم
توکل و کسب و قیاس میان آن‌ها.

۵-۴ حکایت آن اعرابی که سگ او از گرسنگی می‌مرد... (۴۷۷ / ۵) با بن‌مایه تقابلی بخشندگی -
خساست.

۶-۴ قصه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او (۲۲۵۲ / ۱) در بیان ارزش صبر و رضا.

۵- زیبایی‌شناسی (Aesthetics):

نظریه تأمل در داوری‌های زیبایی‌شناختی و چیستی زیبایی و نسبت آن با ادراک زیبایی تعریف -
می‌شود و هدف آن توضیح چیستی زیبایی، نحوه ادراک ما از آن و نیز تحلیل سطوح و گونه‌های آن
است. زیبایی‌شناسی شاخه‌یی از فلسفه است که به مباحث مربوط به «امر زیبا» و بالتبع مسائل ناشی
از بررسی نقادانه هنر می‌پردازد. (رادی و افضل، ۱۳۹۳: ۲۷۶)

ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی متناظر به جهان واقع و در نسبت با حالات غایی‌شان
شناخته‌می‌شوند اما در زمینه و بافت فرهنگ‌های مختلف می‌توانند تغییرکنند و ارزش‌های اخلاقی و
عرفی را به‌وجودآورند. (اکبری و حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۳) به همین مناسبت است که در آموزش فلسفه
به کودکان مؤلفه فرهنگ و ابستگی اهمیت می‌یابد و بر تأکید این مقال در استفاده از حکایات مثنوی
صحه‌می‌گذارد.

۱-۵ «قصه آن حکیم که دید طاووسی را که پر زیبای خود را می‌کند به منقار» (۵۳۶/۵) با بن‌مایه

معایب و محاسن زیبایی صورت.

۲-۵ «قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری (۳۴۶۷ / ۱) با بن‌مایه:

زیبایی و دوستداری نقش زیبا

۶- متافیزیک (Metaphysics):

شاخه‌ای از فلسفه است که به پژوهش دربارهٔ چیستی و کنه وجود، زندگی و جهان به‌عنوان یک کل می‌پردازد. متافیزیک را ریشه فلسفه می‌دانند به این معنا که فیلسوفان نخستین عمدتاً به این حوزه از فلسفه می‌پرداخته‌اند. از جمله پرسش‌های مطرح در این شاخه فلسفه می‌توان به پرسش‌هایی در سه حوزه چیستی خدا و هستی (وجود و عدم وجود خدا)، چیستی انسان و جبر و اختیار، چیستی جهان و ثبات و تغییر ذهن و ماده اشاره کرد. (ویکی‌پدیا فارسی، ذیل متافیزیک)

۶-۱ حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار....

آن یکی می‌رفت بالای درخت می‌فشانند آن میوه را دزدانه سخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی از خدا شرمی ت کو، چه می‌کنی
(۳۰۷۸-۳۰۷۹ / ۵)

بن‌مایهٔ پرچالش جبر و اختیار و قضا و قدر.

۶-۲ داستان نخجیران که با عنوان «بیان توکل و ترک جهد گفتن نخجیران به شیر» آغاز می‌شود.

(۹۰۰ / ۱)

مولانا در این حکایت طولانی به بهانهٔ جدال بازیگران داستان، رئوس اصلی ادلهٔ عقلی و نقلی فرق متخاصم کلامی را در بن‌مایه «جبر و اختیار» به گویاترین وجه به‌نمایش گذارده‌است و در پایان، جدال بی‌پایان اهل جبر و اهل اختیار را به ستیزه عرفانی روح و نفس مرتبط ساخته‌است. (غفاری، ۱۳۸۸: ۶۵) فابل جذابی که بویژه در تعالی هوش معنوی کودک، چالشی سودمند در باب محوری‌ترین پرسش‌های شناختی بشر از همان کودکی است.

۷- منطق (Logic):

فلسفهٔ منطق شاخه‌یی از فلسفه است که به بررسی مسائل فلسفی ناشی از «منطق» می‌پردازد. سؤالاتی از این قبیل که: اعتبار یک استدلال به چه معناست؟ صدق منطقی یک گزاره چه معنایی می‌دهد؟ چگونه می‌توان یک استدلال معتبر یا یک صدق منطقی را شناخت؟ کدام نظام‌های صوری، منطق محسوب می‌شوند و چرا؟ از چهره‌های برجسته جهانی در این شاخه می‌توان فرگه، راسل، کواین را نام برد. (ویکی‌پدیا فارسی، ذیل فلسفهٔ منطق)

۷-۱ حکایت تعلق موش با چغز و بستن پای هر دو به رشته‌یی دراز... (۲۶۳۶/۶) مفید طرح در

بن‌مایهٔ تجانس است.

۲-۷ حکایت آن شخص کی از ترس خویشتن را در خانه بی انداخت رخها زرد چون زعفران، لبها کبود چون نیل، دست لرزان چون برگ درخت، خداوند خانه پرسید کی خیراست چه واقعه است؟ گفت بیرون خر می‌یرند به‌سخره، گفت مبارک خر می‌گیرند تو خر نیستی چه می‌ترسی، گفت سخت به‌جلد می‌گیرند تمییز برخاسته‌است امروز، ترسم کی مرا خر گیرند. (۲۵۹۳/۵). بن‌مایه قدرت تمییز

۳-۷ قصه محبوس شدن آن آهوچه در آخر خران (۸۳۳/۵) بن‌مایه: تجانس

۴-۷ قصه آن دباغ کی در بازار عطاران از بوی عطر و مشک بیهوش و رنجور شد (۲۵۷/۴) حاوی چالشی معنادار و جذاب در بنمایه کشف علت با چالشی مفید در پاسخ به نیاز پرسشگری-های بی‌پایان شناختی کودک.

۵-۷ قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان غیژید و خطر افتادن بود... (۲۶۵۷/۴) بن‌مایه تجانس.

۶-۷ قصه آن آبگیر و صیادان و سه ماهی (۲۲۰۲/۴) با بن‌مایه تدبیرگری و مفید بحث برای ارتقا توانایی اتخاذ استراتژی انتخاب و تصمیم‌گیری درست در مسیر سلوک معرفتی کودک.

۷-۷ حکایت مرد بقال و طوطی و روغن‌ریختن (۲۴۷/۱) مناسب طرح در بن‌مایه قیاس نادرست.

۸-۷ افتادن شغال در خم رنگ و رنگین‌شدن (۷۲۱/۳) بن‌مایه: شباهت‌ها، تفاوت‌ها و قیاس فی‌مابین.

۹-۷ فرمودن والی آن مرد را که آن خارین را که نشاندای بر سر راه، برکن (۱۲۲۹/۲) بن‌مایه: پیامد تأخیر در کارها و تعقل.

۱۰-۷ قصه آن‌که کسی به کسی مشورت می‌کرد گفتش مشورت با دیگری کن که من عدوی توام (۴): مفید طرح در بن‌مایه معیار انتخاب مشاور.

۱۱-۷ حکایت آن شخص که در عهد داوود علیه‌السلام شب و روز دعای کرد که مرا روزی حلال‌ده بی‌رنج (۱۴۵۰/۳) بن‌مایه: قیاس میان دعا، تلاش و کوشش.

۱۲-۷ حکایت آن اعرابی که سگ او از گرسنگی می‌مرد (۴۷۷/۵) بن‌مایه: معیار ارزشمندی اشیا.

۸- فلسفه علم (Philosophy of science):

از دیگر مباحث مطرح در حوزه فلسفه و شناخت فلسفی است که در ضمن حکایات معرفت‌شناسی و ابزار و حدود شناخت بدان پرداختیم.

۱-۸ قصه اعرابی و ریگ در جوال‌کردن و... (۳۱۷۸/۲) بن‌مایه: فایده علم و دانش.

۲-۸ منازعت چهار کس جهت انگور (۳۶۸۳/۲) بن‌مایه: فایده دانش.

۹- فلسفه سیاست (Political philosophy):

مطالعه اموری همچون سیاست، آزادی، عدالت، مالکیت، حقوق، قانون و شیوه اجرای آن توسط قوای حاکم است و طرح هر پرسشی در این که این امور چیستند و چرا مورد نیازند؟ چه حقوق و آزادی‌هایی باید پاس داشته‌شوند؟ و مجموعه دیدگاه کلی و اخلاقیات مشخص در این حوزه را می‌توان در فلسفه سیاست مورد بررسی قرار داد. به عبارتی تبیین عقلانی و طرح پرسش‌های بنیادی درباره جامعه، دولت، کشورداری، زندگی اجتماعی وظایف فرد و جامعه نسبت به یکدیگر فلسفه سیاست است. (ویکی‌پدیا فارسی، ذیل فلسفه سیاسی) بویژه پرسش‌هایی در باب حقوق فردی و اجتماعی مطلوب نظر P&C برای آشنایی فرد با حقوق و وظایف خویش از همان دوران کودکی است.

۹-۱ حکایت منادی کردن سید ملک ترمذ و دلقک (۲۵۴۱/۶) بن‌مایه: عدالت و حلم.

۹-۲ حکایت رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار (۳۰۱۳/۱) بن‌مایه: عدالت .

نتیجه گیری:

- بسیاری از حکایات مثنوی به سبب روانی زبان، شیوه گفتمان، طرح پرسش، بافت ناپیوسته و گسست‌های توأم با تعلیق مناسبت بسیاری با حلقه گفتمانی فلسفی کودکان داشته، مجال فراخی در پرسش‌انگیزی و تفهیم فلسفه به ایشان پیش‌رومی‌نهد.

- مثنوی به لحاظ شمول محتوایی، در تمام نه مقوله فلسفی مطرح شده از هستی‌شناسی تا فلسفه سیاست، حکایات مناسب را داراست و فرم حکایت در حکایت علاوه بر سادگی بیان و مناسبت کودکانه و جذابیت‌های لازم برای P&C، کمپلکسی از مفاهیم فلسفی متداخل نیز ارائه می‌دهد که ضمن حفظ تعلیق موضوعی، حساسیت و کنجکاوی بیشتر کودک را برمی‌انگیزد.

- منطق غیرصوری ملفوف در حکایات ضمن آشناساختن کودک با نحوه استدلال درست، توانایی ارزیابی تفکرات خود و دیگران را نیز برایش تسهیل می‌کند.

- برجسته‌ترین جنبه برنامه «فلسفه برای کودک» که در مثنوی به دنبال آن هستیم مؤلفه «فرهنگ وابستگی» است که تنها با روان‌گویی و روان‌نویسی حکایت در برخی موارد بسادگی قابل استفاده برای کودک است.

- مفاهیم عرفانی که مولانا با ظرافت در خلال حکایت طرح می‌کند، در کنار تقویت توانایی فلسفیدن کودک، در پرورش هوش معنوی وی نیز بسیار مفید خواهد بود.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- اکبری، احمد، جاویدی، طاهره، شعبانی، بختیار، تقوی، محمد، (۱۳۹۱)، فلسفه برای کودکان (P4C)، مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، س ۳، صص ۱-۲۵.
- ۳- اکبری، مجید، حسینی، سیدمحمد، (۱۳۸۸)، ارزش‌شناسی در فلسفه ارسطو، فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۰، س ۷، صص ۹۵-۱۲۱.
- ۴- حبیبی عراقی، لیلا مجید، دبیران، حکیمه، سلطانی، منظر، ناجی، سعید، (۱۳۹۲)، خوانش فلسفی گزیده متون داستانی کلاسیک فارسی متناسب با اهداف برنامه فلسفه برای کودکان، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، س ۴، صص ۷۵-۱۰۰.
- ۵- رادی، مطهر، افضل، جلال‌الدین، (۱۳۹۳)، درباب زیبایی‌شناسی، فصلنامه نقد کتاب هنر، ش ۳ و ۴، س ۱، صص ۲۷۶-۲۹۵.
- ۶- رجبی، محمود، (۱۳۷۹)، انسان‌شناسی، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۷- رشتچی، مژگان، (۱۳۸۹)، ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، س ۱، صص ۲۳-۳۷.
- ۸- رضی، احمد، (۱۳۹۲)، همانندی‌های دوران کودکی با سلوک عرفانی، پژوهش‌های ادبی، ش ۱۰، س ۱، صص ۷۴-۵۳.
- ۹- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۲)، ادبیات کودکان، چ ۲۱، تهران: اطلاعات.
- ۱۰- شوالیه، ژان و گبران، آلن، (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، ترجمه: سودابه فضائلی، ج ۴، چ ۱، تهران: جیحون.
- ۱۱- شوکتی، آیت، (۱۳۸۵)، ادبیات کودکان و نوجوانان، شعر کودک، بررسی دو کتاب شعر کودک، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، صص ۳۱۱-۳۲۸.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌اله، (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، تهران: فردوس.
- ۱۳- صمصام، حمید، نجار همایونفر، فرشید، (۱۳۸۴)، نظری بر معرفت‌شناسی از منظر مولوی، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، س ۳، صص ۷۹-۹۴.
- ۱۴- علیپوریانی، طهماسب، نوری، مختار، (۱۳۹۰) صورت‌بندی مدرنیته و پسامدرنیسم: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۱۱، س ۳، صص ۲۰۷-۲۳۲.
- ۱۵- غفاری، سیدمحمد خالد، (۱۳۸۸)، چگونگی بازتاب مسأله کلامی جبر و اختیار در مثنوی مولانا، فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، ش ۱، س ۱، صص ۶۳-۷۸.
- ۱۶- قائمی، فرزاد، (۱۳۸۹)، نقش فلسفه تمثیلی در داستان‌پردازی‌های مولانا در مثنوی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۱۶، صص ۱۹۸-۱۸۳.

- ۱۷- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۶)، تفکر شهودی در کودکان و ضرورت بازگشت به کودکی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۱۰، صص ۲۶-۷.
- ۱۸- کم، فیلیپ، (۱۳۸۹)، با هم فکر کردن، ترجمه: مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش، تهران: شهرتاش.
- ۱۹- مولوی، جلال‌الدین، (۱۳۸۴)، مثنوی معنوی، تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: ارمغان.
- ۲۰- ناجی، سعید، (۱۳۸۳)، مفهوم فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، مجله نامه علم و دین، ش ۲۵-۲۸، قابل دسترس در www.amoozak.org
- ۲۱- نلر، جورج. ف، (۱۳۷۷)، آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه: فریدون بازرگان، تهران: سمت.
- ۲۲- نوحی، نزهت، (۱۳۸۵)، بررسی سیر اندرزننامه‌ها در ادبیات کودکان از دوره باستان تا مشروطه، مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، صص ۱۹-۳۰.
- ۲۳- ویکی‌پدیا فارسی ذیل مدخل‌های معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی فلسفی، متافیزیک، فلسفه منطق، فلسفه سیاسی. قابل دسترس در: <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- ۲۴- یزدانی، زینب، (۱۳۸۲)، فیه‌مافیه جلال‌الدین محمد بلخی به‌همراه شرح کامل دشواری‌ها، اصطلاحات عرفانی...، چ اول، تهران: تیرگان.



Mowlavi's Masnavi, Spiritual Intelligence, and Philosophical Joys for Kids

Nozhat Noohi, Assistant Professor, Persian Language and Literature, Islamic

Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran¹

Abstract:

Increasing spiritual intelligence (SQ) -as the basis of man's beliefs- and raising the independent thinking ability are necessary for a life of spiritual safety. Because of changeable social communication, instable information and complex nature of modern life, SQ, philosophizing and decision- making should be developed from childhood. P&C is intended to do that by using "tale" as the device. Since Mathnawi has many tales with various philosophical themes, it is one of the most suitable references for P&C in Iran. This essay will consider nine philosophical topics from Ontology to Political philosophy through the tales of Mathnawi.

Keywords:

P&C, SQ, Mysticism, Mathnawi, tale.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ Noohi_nozhat@yahoo.com